



درآمدی بر مکتب ایرانی احیاء و ترمیم نسخه های خطی قرآن کریم *

محمد مهدی هراتی **

چکیده

کتاب آرای ایران با پدید آوردن نسخه هایی که شاهکارهای هنر جهان هستند، به جهانیان عرضه گردید. کتاب آرای ایران که از هنرهای متعددی برخوردار می باشد هریک در جهان ممتاز هستند. خوشنویسی، نقاشی، تذهیب، تشعیر، صحافی، تجلید و بسیاری از فنون دیگر در این هنر خودنمایی کرده اند. بدون تردید حفاظت و نگهداری این آثار ارزشمند که اکثریت آن ها از قرن های دور بر جای مانده و در شرایط مختلف نگهداری می گردند و البته در طول سالیان اخیر بسیاری از این آثار صدمه دیده و توسط کارشناسان خارجی و داخلی مرمت گردیده که بیش تر مبتنی بر دیدگاه علوم مرمت با شیوه های غربی است. مرمت این دسته از نسخ خطی در داخل به همان قدمتی است که آثار تولید شده است و با دیدگاه هنر سنتی در ایران بوده است. از این رو سنت احیاء و مرمت نسخ خطی بازمانده از گذشته دور می تواند تحت عنوان مکتب احیاء و ترمیم هنری آثار ایرانی احیا نمود. شیوه ای که بر پایه دانش مرمت کاران گذشته ایران است که تا امروز نسل ایشان ادامه دارد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، نسخ خطی، ایران، مکتب ایرانی احیاء، مرمت

* این پژوهش با همکاری صندوق حمایت از پژوهشگران کشور و آستان قدس رضوی و فرهنگستان هنر انجام شده است.

** عضو پیوسته فرهنگستان هنر E-mail: m.harati@honar.ac.ir

مقدمه

مکتب کتاب آرایی ایرانی، مجموعه ای از هنرهای والا و فنون و صنایع ارزشمندی است که به یمن آنها، مفاخر تمدن و معارف ما، به صورت گنجینه های نفیس و مکتوب و پذیراز هنرمندی ایرانیان مسلمان، از گزند حوادث محفوظ مانده و امروزه، در عرصه ای جهانی، صدرنشین موزه ها و کتابخانه های بزرگ شده است.

بدون شک، این شایستگی بایسته را، مرهون حامیان و حافظان هنرمندی هستیم که، پدیده های هنری باقیمانده اعصار و قرون را، با استفاده از همان شیوه های پدیدآورندگان آثار و با مهارت و جامعیتی سرشار از دانایی و انس و دلسوزی زنده نگهداشته اند. آن چنان که با گذشت سالیان دراز، شادابی و جلوه های آنها، همچون روز اول تولید است.

اسناد موجود در کتابخانه ها و گزارش های دست اندرکاران و مرمت کاران و همچنین در سوابق دفاتر اموال گنجینه ها و موزه های سلطنتی از چگونگی شیوه کار احیاءگران و مرمت کاران سنتی و نام و نشان ایشان حکایت می کند.

با مطالعه گزارش های به جای مانده از احیاء و ترمیم این نسخ، متخصصین و محققین این رشته ها و سایر افراد مرتبط از این همه توان و تسلط در حیرت می ماند. هنرمندی و توانایی این احیاءگران در دو حیطه قابل شناسایی است، یکی از جنبه معنوی و دیگری از حوزه علم و دانش و توانایی تخصصی ایشان است. بدون شک، تقوا و صداقت و همت ایشان مبتنی بر اعتقادات مذهبی آنها انگیزه اصلی در حفظ و نگهداری نسخ خطی فرهنگی سرزمین خود به ویژه قرآن کریم بوده و توانایی تخصصی و علمی احیاءگران، حکایت از آشنایی با مواد و مصالح، ابزار و شیوه کار گذشتگان می کند. این تسلط نیز موجب ابداع روش های جدید در احیاء و ترمیم بر پایه مواد و مصالح و شیوه تولید نسخ خطی توسط ایشان شده است. ایشان چنان بر شیوه های مختلف اجرایی هنرهای ازیاد رفته تسلط داشتند که توانایی تولید آثار هنری را به همان قلم و شیوه و مقیاس داشته و با صداقت و تقوا و تسلط آنها را انجام داده اند.

مکتب احیاء و مرمت ایرانی

در مکتب احیاء و ترمیم هنری ایرانی، شیوه هایی

خلاق از فنون و رموز همچون فصّالی، وصالی، کاغذگری، وراقی، قطاعی و متن و حاشیه افشانگری، صحافی و مجلدگری، شیرازه بندی و... همراه با توانایی ودانایی و خلاقیت به مدد هنرمند احیاءگر می آید. این توانایی ها و تسلط احیاءگر بر این علوم و دانش سبب می گردد تا نسخه آسیب دیده را، چنان ترمیم و اصلاح گردد. که در فرهنگ زندگی ساز و زندگی بخش احیاء، جایگاه آن همچون روز اول ایجاد اثر تعیین و تعریف می شود که برگرفته از مواهب خالق بی همتا و فرهنگ قرآن و هُوَ حَى الذی لایموت است تا هر نسخه ترمیمی بی هیچ نقصان بتواند به رسالت فیض بخشی و ترویج دانایی و انتقال رموز و فنون به اهل هنر ادامه دهد.

اما همت و غیرت این حافظان احیاء گر فراتر از هرگونه واکنش های صبورانه یا عجولانه است آنها با تمام غیرت و هستی خویش، در سایه صبر و بردباری پنهان در عرفان و معرفت احیاءگری خویش، اهتمامی والا دارند تا بلکه آبروی هنر از خاک ما و خانه ما نرود. همین همت والا است که پیوند هنر و کتاب و کتابت و کتاب آرایی را با همه غربتش تبدیل به اصلی ماندگار کرده است.

در این راستا این مکتب احیاء و ترمیم و اصلاح برکدامین اصول و مبانی استوار است.

مکتب احیاء و ترمیم و اصلاح از دیر باز در هزار توی تاریخ و فرهنگ ما ریشه ها و پیشینه ای ماندگار دارد و از مکتب انسان ساز اسلامی و فرهنگ غنی آن چنین بهره گرفته است:

احیاء مفهومی قرآنی است به معنی زنده کردن و مأخوذ از واژه «حَی» است که خود یکی از نام های کردگار متعال است و به معنی «همیشه زنده یا زنده همیشه و جاوید» است: «هُوَ الْحَی الذی لایموت» تا همان طوری که در آیات قرآنی هم به چگونگی توکل به آن و زنده کردن آدمی و حیات اشارات فراوان شده است: وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَی الذی لایموت، توکل کن بر خدای زنده که نمی میرد (فرقان آیه ۶۰) «يُخْرِجُ الْحَی مِنَ الْمِیْتِ»: بیرون می آورد زنده را از مرده «وَيَحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ» و زنده می گرداند زمین را پس از مرگ آن و همچنین بیرون آورده می شوید. (روم آیه ۱۸).

بنابراین حافظان هنرهای موروثی، با توکل بر ذات خداوند متعال، همواره تلاش دارند تا دستاوردهای ارزشمند دینی و هنری، شادابی و طراوات خود را حفظ کنند و همین «مکتب احیاء» با



تکیه به الطاف خداوندی همیشه سعی داشته است از هنر و هنر نمایی آدمی که جلوه ای از مواهب یزدانی اوست مراقبت و مواظبت های لازم را مرعی دارد. زیرا که احیاگر خود را «خادم دوست» می داند و هنر را هم جلوه ای از موهبت «حی توانا» به شمار می آورد که در آن ترمیم و اصلاح هم، نوعی معالجه تلاش و ریاضت و اهتمام در طلب خیر نمودن، در راه اوست که ماهیتی زنده دارد.

در فرهنگ مرحوم ناظم الاطباء درمعانی ترمیم و مرمت آمده است: مرمت عبارت است از تعمیر و اصلاح هرچیز خلل یافته و در لغت نامه مرحوم دهخدا هم ترمیم و مرمت را؛ به اصلاح در آوردن خلل و نیکو کردن چیزی و نیز برمداد و معالجت معنی کرده اند و برای تبیین بهترین معانی به ذکر چند مثال از متون کهن پرداخته که آنها را در اینجا «ابوالقاسم سیمجور»^۱ به مرمت آن حال و رفو آن خرق^۲ باز ایستاد، چند روزی در آن جایگاه توقف کرد و به مرمت حال و معالجت مجروحان مشغول شد (ترجمه تاریخ یمینی، ص ۱۷۴ و ۳۸۵).

همچنین از همان منبع ص ۴۲۰ و در همان معنی: «از بام تاشام، برکار ایشان مشارفت می کرد و به صدق عمل و مرمت خلل مطابقت می نمود...» و براین منوال است که احیاء گران و حافظان موارث هنری در دل تاریخ کتاب و کتابت در همه زمان ها حضوری مهم و مؤثر و بالنده دارند.

از این گروه عاشق و دلسوخته میرزا فضل الله صحافباشی و برادرش میرزا نصرالله صحاف باشی برحسب آن پیمانی که با خالق قرآن بسته اند به شرف نامه خدمت و احیای «آیه نگاری های مصحفی» نایل آیند که علیرضا عباسی در عهد شاه عباس صفوی کتابت کرده و شاه صفوی برروضه رضوی وقف نموده است^۳ (تصاویر ۱ و ۲). و چه شیرین است که این باغبان های این مصحف یزدانی فرزندان ملاحسین صحافباشی هستند که در ادامه فعالیت های احیاء گرانه قدم بر کتابخانه آستان قدس رضوی گذاشته اند که سوابقی طولانی و درخشان در تاریخ هنر و احیای آن در طول حیات دوران اسلامی ایران دارند. جَداعلای آنان، عارف و شاعر هنرمند و هنر آشنای اوایل قرن هشتم هجری، مولانا جلال الدین عتیقی است که شرح حال وی را در نسخه خطی سفینه تبریز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود و مکتوبی مفصل است.

بعد از مولانا جلال الدین عتیقی، شاخص ترین افراد این خاندان، خواجه نصیر بیگ منشی اردوبادی متوفا به سال ۹۶۲ هـ. ق است که در انواع اقلام سته آثاری ماندگار دارد به طوری که صاحب اطلس خط به نقل از مورخ الدوله سپهر در باره او می نویسد: خواجه نصیر بیگ منشی که خطوط محقق و تعلیق را بسی نیکو نگاشته و به سال ۹۶۲ هـ. ق درگذشت (فضائی، ۱۳۶۲).

سه قطعه از خطوط مختلف وی در مرقع بهرام میرزا، در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول نگهداری می شود که به قلم نسخ و رقاع و نستعلیق است برای بهرام میرزا نوشته ورقم «مشقه الفقیر نصیر غفر ذنوبه» را دارد. مرحوم دکتر مهدی بیانی هم در احوال و آثار خیر از قطعه ای نفیس به خط ثلث و نسخ و رقاع از وی را می دهد که از نظر زیبایی و نفاست نظیر همین خط خواجه نصیر است. وی از وجود قطعه ای دیگر از این استاد بزرگ خبر می دهد که در کتابخانه عمومی لنینگراد است اقلام خط محقق، ریحان و ثلث و رقاع و شکسته تعلیق را در نهایت استادی در سال ۹۲۱ هـ. ق برابر با ۱۵۴۱ میلادی کتابت کرده است (فضائی، ۱۳۶۲).

همین قطعه که با تقسیم بندی خاص صفحه و جداول مذهب و تشعیر و لچکی همراه است مفاهیم ارجمندی از فرهنگ و هنر اسلامی را در قلم های محقق، ریحان، نسخ، تعلیق، ثلث و نستعلیق به چلیپای مُورب، توقیع و رقاع کتابت کرده که حکایت از خلاقیت و کمال استادی و جامعیت وی دارد (تصویر ۳). بعد از خواجه نصیر بیگ اردوبادی، تلاش های این سلسله طیبه احیاء گران ادامه می باید و این بار خواجه عتیق علی منشی اردوبادی از ملازمان و منشیان دارالانشاء شاه اسماعیل صفوی است، حضوری پر شکوه و عارفانه ای دارد که قاضی احمد منشی قمی صاحب گلستان هنر به سال ۹۹۹ هجری قمری از او چنین یاد می کند:

«خواجه عتیق علی منشی از خط اردوباد^۴ است، بسیار پخته و گنده می نوشته و در انشائات نواب جمجاه صاحب قرآن گیتی ستان علین آشیان، شاه اسماعیل، ترقیات کلی نموده و طغرای شاهی را که اکنون در میان است [اعتبار دارد] او پیدا کرده [طراحی و کتابت کرده]. بعد از استعفا از ملازمت، متولی مشهد مقدس معلی مزکی شد و سال ها در آن عتبه علیه و سده سته به سر می برد و عمارت عالی به جهت مقبره خود در جنب مدرسه

۱- سیمجور و سیمجوریان: نام خاندان معروف امرای قهستان و نیشابور که در خراسان به مقامات بزرگ رسیدند. مؤسس این خاندان سیمجور دوانی از خادمان اسماعیل بن احمد سامانی بود.

بعد از سرداری، با علویان در گرگان جنگید (۵۲۸ هـ. ق) سپس به سیستان رفت و آنجا را از دست لیث بن علی بن لیث بدر آورد (۵۲۹ هـ. ق) و مؤسس خاندان سیمجوریان است که سپهسالاری خراسان را هم عهده دار بودند و...

ابوالقاسم سیمجور چهارمین فرد از این خاندان است که بر آن خط امارت یافتند. رک: تاریخ بیهقی و نیز ترجمه تاریخ یمینی و...

۲- خرق (به کسر اول): مرد جوان مرد، نیکو و کریم. رک: لغتنامه دهخدا، ص ۸۵۱۱.

۳- قرآن کریم، به خط علیرضا عباسی خوشنویس دوره صفوی به شماره ۱۰۷ در آستان قدس رضوی نگهداری می شود. فصلنامه نگره در شماره پیشین خود مقاله ای تحت عنوان «علیرضا عباسی و قرآن نفیس کتابخانه آستان قدس رضوی» به چاپ رسانده است.

۴- اردوباد شهری بر ساحل رود ارس مشرق جلفا که مسقط الراس شعرا و فضلا و علماء بوده است.



تصویر ۱ و ۲ - دو صفحهمقابل هم در سوره فاتحه الکتاب
، قرآن به خط علیرضا عباسی احیاء گری شده ، متعلق به
آستان مقدس رضوی

مستعصمی است (تصویر ۵). این قرآن نفیس
در تاریخ ۶۰۴ (هـ. ق) کتابت شده است و در زمان
تولیت میرزا سعید خان مؤتمن الملک به دست میرزا
حسین صحافباشی و میرزا احمد مذهب باشی و میرزا
ابوالقاسم خوشنویس مرمت شد. ترمیم و احیای این
قرآن با کارشبان روزی این سه استاد یک سال
طول کشید و برای اولین بار به ابتکار ملاحسین
صحافباشی ، گزارش مکتوب چگونگی نسخه خطی
و زمان ترمیم و وصالی و متن وحاشیه با ترتیب
معین تغییر یافت. ذکر موارد در پشت صفحات اول
و آخر منعکس گردید و مرحوم میرزا سعید خان
تولیت آنها را مهر زده و به ترمیم و احیای آنها
در میان دومهر سفید رنگ اشاره کرده است. در میان
مهر نخستین نوشته : «بعد از آنکه به مرور زمان
کمال اند راس به هم رسانده بود در عرض یک سال
به مواظبت های کامله تعمیر و احیاء گردید».

همین طور در میان مهر دوم نوشته شده است :
«بعد از اتمام کلام مجید من البدو الی الختم ملاحظه
و زیارت شد ، الحمد لله که باین خوبی سمت اتمام
یافت».

در پشت جلد قرآن ، بعد از آستر بدرقه یک
ورق از اوراق پیش از تعمیر و اصلاح ، به طور
نمونه قرار داده شده و در هامش آن عبارت ذیل
مسطور است :

«این ورق مبارک از کلام الله مجید به جهت نمونه
در مجلد کلام الله مجید ضبط شد تا حالت سابق
با حالت حالیه در نظر زیارت کنندگان محسوس
و مشاهد باشد. شنیدن کی بود مانند دیدن اقل حجاب
آستان جلالتشان ، محمد سعید ۱۲۹۲» (تصویر ۶).
مرحوم خوشنویس باشی نیز پشت صفحه

شاهرخی^۱ واقع است و رقبات خود را که در آن جا
داشت بر آن وقف نمود. «قاضی احمد ، ۱۳۶۲).
این وقفنامه (تصویر شماره ۴) ، هم اکنون در شمار
قدیمی ترین وقفنامه های مکتوب در آستان قدس
رضوی مضبوط است که به لطف آقای استاد مهدی
عتیقی عکسی از آن را چاپ می کنیم :

در صفحه پایانی وقفنامه مورد اشاره قاضی
احمد منشی که دستخط و امضای مرحوم خواجه
عتیق علی است . عبارت «کتبه العبد الفقیر عتیق علی
الواقف» دیده می شود. همین طور نمونه کتابت
وانشای عتیق علی منشی اردوبای است و مصداقی
از بلاغت ادبی و کمال ایشان که از نظر شیوه
نستعلیق به آثار میرعلی کاتب هروی مشابهت
دارد و در صدر صفحه و متن آغازین آن تأیید و مهر
گواهان معتبر زمانه را دارد و حاکی از مراتب ارادت
آن زعیم نسبت به حرم رضوی است :

«مشهد مقدس دل کامل که سلطان ممالک رضاست
، مطاف اشرف عاکان حریم الطاف بی پایان اوست» .
او با استعفا از ملازمت شاه اسماعیل صفوی
، سر در آستان ارادت درگاه به امام همام بود و ۲۴
پارچه آبادی و رقباتی که داشت همه را وقف
آن روضه منوره کرد. بعد از خواجه عتیق علی ،
این سیرارادت در نگهداری آثار و کتب و مصاحف
دربارگاه حضرت ثامن الائمه (ع) ادامه داشت تا آن
که نوبت به ملاحسین صحافباشی در عصر ناصری
رسید . او که فرزندی از تبار عتیق علی است با
همان انشاء و بلاغت و حاذقی و کمال در هنرهای
کتاب و کتابسازی و احیاء گری میراث های جاودانه .
پسندیده تر آن است از زبان و قلم مشتاقانی دیگر
در این حوزه بشنویم :

در مجموعه صحافی سنتی ، استاد احمد طاهری
عراقی طی مقاله ای محققانه ، به حضور ادامه این
احیا گران این گونه اشاره می کند : «از مجلدان
نامی خراسان مرحوم ملاحسین صحافباشی »
است که در جلد ضربی ، متن وحاشیه ، دو پوست
کردن کاغذ ، رنگ آمیزی کاغذبری ، مقوا سازی
و افشانگری استاد بوده است که از اواخر قرن
سیزدهم قمری صحافباشی در کتابخانه آستان
قدس رضوی حضوری پر ارزش دارد . آثار هنری
او در این کتابخانه بسیار است و مهمترین شاهکاری
هنری مکتب احیاء و مرمت در این دوران پدید آمده
که هر کدام از ارزش های جهانی برخوردارند
و مهمترین آنها احیای قرآنی است به خط یاقوت

۱- با توسعه رواق های بارگاه
حضرت رضاعلیه السلام ،
هم اکنون مدرسه شاهرخ
و مدرسه دو در داخل حرم
مطهر قرار دارند و سر در و
کتیبه مدرسه با کاشیکاری عهد
تیموری آراسته شده است.



و فصالی، قدرت و مهارتی بسزا داشته اوهر ورق را به سه لایه (دو پوست و یک مغز) از هم جدا کرده بود.

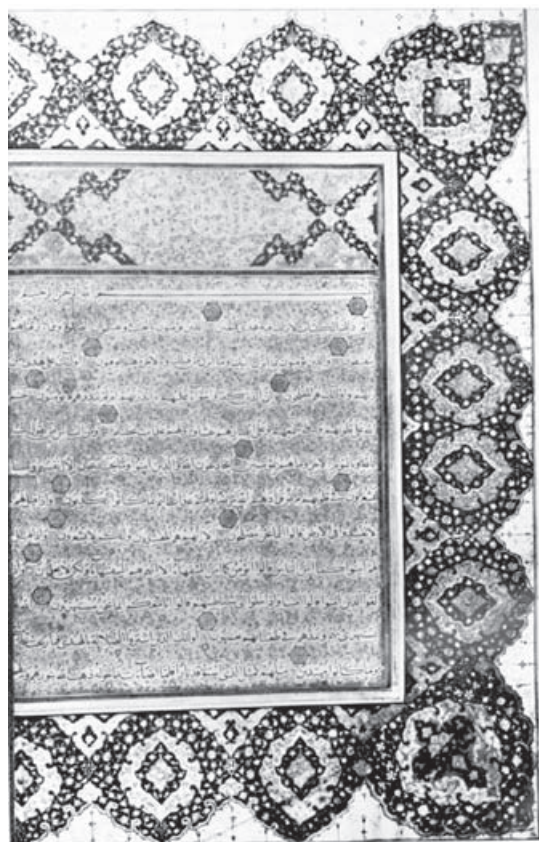
سختی کار و دشواری این نحوه احیاء و ترمیم



تصویر ۴- وقفنامه مرحوم خواجه عتیق علی منشی به خط مشارالیه، آستان قدس رضوی



تصویر ۳- کتیبه هفت قلمی به خط استاد نصیر بیگ منشی اردوبادی که در ۹۲۱ ه. ق. کتابت شده است.



تصویر ۵- صفحه اول قرآن شماره (۴۴) با قلم یاقوت مستعصمی مورخ ۶۰۴ هجری

۱- دپوسته کردن: دولایه کردن کاغذ و چرم راگویند. در اینجا منظور دپوسته کردن کاغذ است که توسط مرحوم ملا حسین صحافباشی ارتقاء یافت و او توانست برای اولین بار اوراق کاغذی را به سه لایه پوست و مغز تبدیل نماید. همچنین مرحوم استاد حسین عتیقی نیز توانست یک ورق کاغذ را به چهار پوسته تقسیم کند، (چهار لایه جدا از هم) که ابداع ایشان برای نخستین بار است. به طور کلی تخصص دو پوسته کردن کاغذ بوسیله این خاندان رواج یافته است. ر.ک. صحافی سنتی، ص ۷۰ و فصلنامه هنر شماره ۱۱- ۱۳۶۵.

اول قرآن به خط رقاع جلی، سواد وقفنامه و تاریخ پایان تعمیر را ذکر کرده که فقط به ذکر تاریخ و نام «کلانتری» پروژه اکتفا می شود:

«قد تشرفت بتعمیر هذا القرآن المجید فی سنه ۱۲۹۲ وانا الفقیر الی الله الغنی؛ در میان مهر صحاف کتابخانه مبارکه حسین». لازم به یادآوری است که احیاء و مرمت این قرآن، شاهکاری از هنرهای فصالی و صالی و قطاعی و متن و حاشیه سازی است که تاکنون نظیر آن در هیچ جا، اتفاق نیفتاده است و مرحوم ملا حسین صحافباشی در کمال استادی و هنرمندی، ابتکاراتی را اعمال نموده که قبلاً سابقه نداشته است. ملا حسین دردپوست کردن صفحات، مهارتی وصف ناپذیر داشته، او توانست هر صفحه را با استفاده از فصالی» به دو پوست و یک لایه مغز از هم جدا کند و از لایه مغز برای وصالی خلل و بخش های آسیب دیده استفاده کند.

او با فصالی تمام حواشی مذهب و نشان های ترنجی را از هم واز پوست جدا کرد و بعد از اتمام کار متن و حاشیه هریک را در جای اصلی خود نشانده و وصالی می کرد و مذهب باشی هم دور هر ترنجی را باطلا و لاجورد، پوشاند به طوری که جز با لمس کردن و یا در مقابل نور گرفتن معلوم نمی شود که الحاقی است. او دردپوسته^۱ کردن



تصویر ۷- ملا حسین صحافباشی، آستان قدس رضوی (قرن سیزدهم)



تصویر ۶- ورق مندرس نمونه از قرآن شماره (۴۴) به قلم یاقوت مستعصمی

میان ترنج وسط صفحه، عبارت: «قال الله سبحانه وتعالى قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یأتوا بمثل هذا» به خط رقاع جلی با سپیداب تحریر دار بوم زرین گلزار، یک مثلث از گوشه پائین صفحه (از طرف راست) با تذهیب نوکار ونوساز، همین طور در صفحه دوم صنایع هنری بدین شرح است: صفحه دوم بایک منزل تذهیب مرصع و سه ترنج و حاشیه و گره، در میان ترنج وسط نیمه دوم، سوره مبارکه فاتحه الکتاب به خط ثلث خفی با سفیداب تحریر دار و بقیه تزیینات گوشه پائین صفحه (طرف چپ) نوکار و نوساز دو صفحه آغاز سوره بقره با سر لوح مذهب و جداول و اسامی سوره ها بخط رقاع به سپیداب مخرر و در سایر صفحات این قرآن، در هامش هر صفحه دو تا سه ترنج مذهب مرصع تا پایان قرآن ادامه داشته، دو صفحه پایان نیز مانند سوره بقره مذهب و مرصع با متن خانه با دعای تقال و فالنامه منضوم به خطوط رقاع ثلث، نسخ و نستعلیق حکایت از اهتمام ریاضت گونه استادان هنری گروه احیاء دارد.

بدین ترتیب ملاحظه می شود هنر های احیاء و مرمت ایرانی، خودمکتبی جداگانه و بر پایه ای ملهم از محیط وحی و انتقال مفاهیم و بهره مندی هرچه بیشتر و ماندگاری استوار است و بدور از نگاه های کاسب کارانه مجموعه داری، شخصیتی

و ظرافت در اجرای آن موقعی معلوم می گردد که نشان های ترنجی آیات قرآنی در اندازه های مختلف و در پشت و روی هر صفحه و غالباً پشت به پشت واقع شده اند که باید فصالی وجداشده و پس و پرکردن ریختگی های متن قرآن مذکور (اعم از یک طرفه یا دو طرفه) با الصاق کاغذ پوست کرده و گزن^۱ خورده است. همرنگ کردن متن، و نیز تقلید و مثنی سازی با همان شیوه خط و طلا اندازی و دندان موشی و تحریر آن و گذاشتن زیر و زبر عبارات و کلمات نو نویس انجام گرفته است. این فعالیت ها به حدی استادانه است که بیننده را به اعجاب و تحسین وامی دارد.

مشخصات هنری صفحه اول و دوم این قرآن را برای نشان دادن حجم کار هنری انجام شده وزیر سازی هایی که صفحه آسیب دیده را مناسب کار کتابت و تذهیب نموده ذکر می گردد: متن به خط نسخ خوش، کاغذ متن و حاشیه، متن نخودی ختایی، حاشیه حنایی فرنگی.

صفحه اول مذهب و مرصع با پیشانی و ذیل و ترنج، زمینه به زر و لاجورد مزین به گل و برگ زرین و صنعت خام و پخته، به طرح اسلیمی و دُبترمه، در پیشانی و ذیل عبارت: «انه لقرآن کریم» و «لایمسّه الا المطهرون» به خط ثلث جلی با سپیداب تحریر دار و بوم زرین گلزار، در دایره

۱- گزن و گزن خورده: گزن ابزاری فولادی با دم بسیار تیز، که در صحافی سنتی و کاغذ بری و تراشیدن پشت چرم و تیماج به کار می رود شفره و نشگرده هم می گویند. رک: فرهنگ عمید.

کاغذ گزن خورده: قطعات ریز کاغذ دوپوسته است که برابر با نقاط آسیب دیده اوراق، با نظر ظرافت بسیار بوسیله گزن بریده یا لایه برداری شده است. رک: صحافی سنتی، ص ۷۰- راهنمای گنجینه قرآن، ص ۸۹-۹۳.



ولایی و اسلامی تا امروز ادامه دارد و این ما هستیم که باید اسباب انتقال و یادگیری فنون و رموز آن را فراهم کنیم و چراغی را که ملاحسین صحافباشی و پسرانش در آن کتابخانه ملک پاسبان برافروختند بعداً به استاد محمد علی صحافباشی (متوفاً در ۱۳۱۸ش) رسید که او آن را به برادرش استاد حسین عتیقی سپرد. او نیز هنرهای موروثی، نیاکان سلف را با ابداع و ابتکار درآمیخت و ظرافت و دقت و پرحوصلگی و ایمان به هنر و صداقت و امانت درکار را به اعلی درجه رسانید پسرانش؛ مهدی و هادی و احمد و محمد نصیر عتیقی، هرکدام طلایه داری این مکتب را برعهده دارند.

مستقل و سازنده دارد که برپایه تقوی و صداقت و تعهد و امانت داری و ثبت تغییرات و ترمیم ها، به منظور نجات نسخه و رفع آسیب دیدگی ها بارعایت شرایط زمانی نسخه هنری انجام می شود که خود دنیایی از ابداع و ابتکار را در پی دارد.

ملاحسین صحاف باشی در سال ۱۳۲۲ ق (تصویر ۷) در مشهد از جهان رخت بر بست درحالی که فرزندان او، میرزا فضل الله و میرزا نصرالله صحافباشی اقدام به احیای قرآن به خط علیرضا عباسی را با همان روش و اصول باقیمانده از پدر، آغاز کردند که گزارش هنرمندی های آنان در پناه کتابت های هنرمندانه کاتب و کتاب آرایان عصر صفوی نشان دهنده آن است که تداوم هنرهای

نتیجه

مکتب ایرانی احیاء براساس و مبنای علمی و مبتنی بردانش روزگاران پیشین تولید نسخ منحصر به فرد هنر جهان، می باشد. این شیوه در نسخ خطی قرآن کریم بیشترین ظهور را یافته است. همّت این استاد کاران با اعتقادات مذهبی، انگیزه اصلی در حفظ و نگهداری و مرمت نسخه های خطی قرآن کریم بوده است.

تسلط بر کلیه امور کتاب آرایی از جمله خوشنویسی، تذهیب، جدول کشی، تصویرگری، صحافی مقوا و کاغذ سازی، لاجورد شویی، حل کاری و زرکوبی، فصّالی و وصّالی. از عهده این احیا کاران بر می آمده است. از این رو مکتب ایرانی احیاء به جای مرمت امروزی پیشنهاد می شود.

منابع و مأخذ

افشار، ایرج و دیگران، صحافی سنتی، تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳. گلچین معانی، احمد، راهنمای گنجینه قرآن آستان قدس رضوی، مشهد، کتابخانه، آستان قدس، ۱۳۴۷.

عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران ابن سینا، ۱۳۴۰.

فضائلی، حبیب الله، اطلس خط، اصفهان، مشعل، ۱۳۶۲.

قاضی احمد منشی قمی، گلس تان هنر، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، کتابخانه منوچهری، ۱۳۶۲.

مایل هروی، نجیب، کتاب آرایی در تمدن اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.

هراتی، محمد مهدی، تجلی هنر در کتابت بسمله، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶. هراتی، محمد، علیرضا عباسی و قرآن نفیس کتابخانه آستان قدس رضوی، فصلنامه نگره، شماره ۲ و ۳، ۱۳۸۵.



تصویر ۱۹- قسمتی از پرده
درویشی واقعه عاشورا، عمل
کمترین میرزا مهدی نقاش
شیرازی، رنگ روغن روی بوم
، محرم ۱۲۸۸ هـ. ق. مجموعه
فرهنگی سعد آباد